

۲ دی ۱۳۹۸ - شماره: ۱۲۴

مقاله‌ها

پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

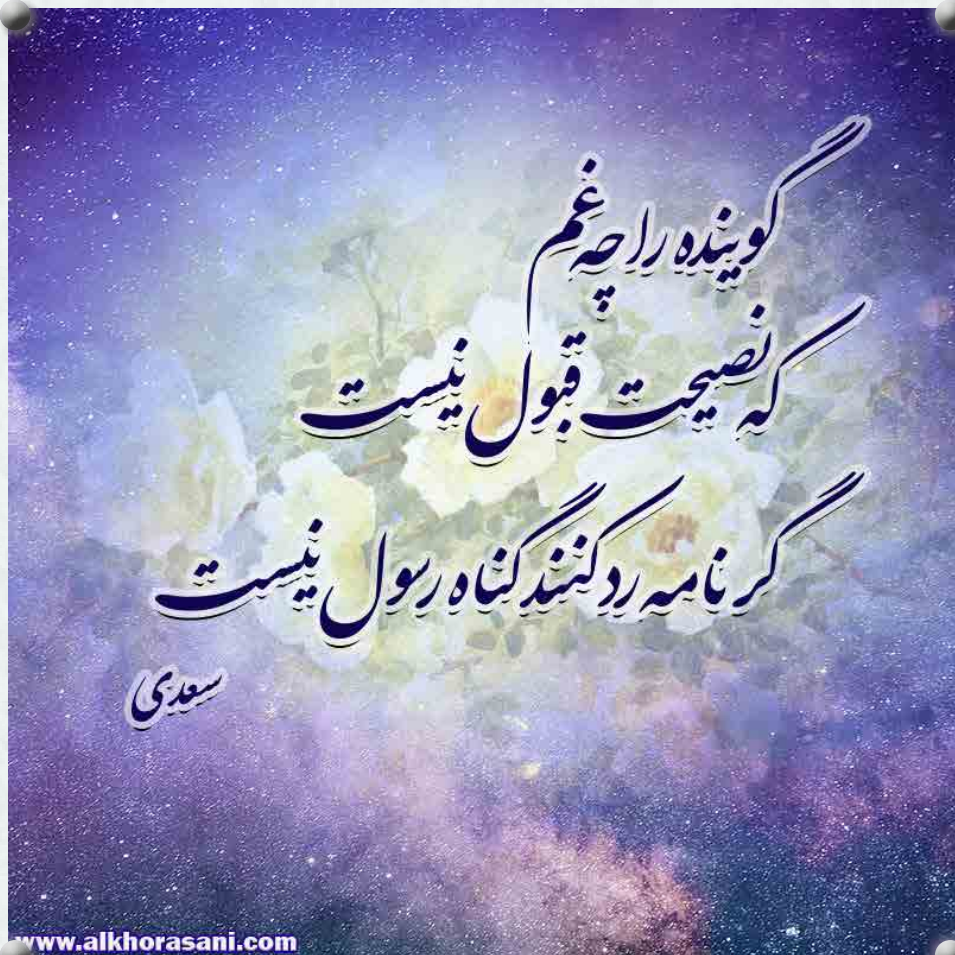
تذکری دیگر به حاکمیت در ایران

نویسنده مقاله:

دکتر مصطفی فروتن

توجه: دیدگاه درج شده دیدگاه ارسالی توسط یکی از کاربران است و لزوماً دیدگاه این دفتر محسوب نمی‌شود.

بسم الله الرحمن الرحيم



خاورمیانه آستان حوادث بسیاری است. در عراق، بحران‌های اجتماعی و سیاسی به اوج خود رسیده است و مشکلات معیشتی مردم بیداد می‌کند. در عربستان، فساد طبقه‌ی حاکم روز به روز بیشتر می‌شود و جنگ قدرت همچنان ادامه دارد. در سوریه‌ی ویران، قدرت‌های جهان بر سر نابودی مردم قرعه می‌اندازند و گروه‌های افراطی در حال بازیابی قدرت خود هستند. در افغانستان، ناامنی و فساد به مسأله‌ای روزمره و عادی تبدیل شده است. و در ایران، و در ایران، کشوری که بیشترین ادعا را در برقراری حکومت اسلامی دارد، بحران‌های عمیق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی به صورت فزاینده‌ای در حال گسترش و تعمیق است. تورّم، بیکاری و فقر مطلق به گفته‌ی خود مسئولان اقتصادی کشور به اوج خود رسیده است و فساد لایه‌لایه و سیستماتیک، حکومت و نهادهای وابسته به آن را فلج کرده است. موج ناامیدی و یأس در

مردم و خصوصاً طبقه‌ی جوان شکل گرفته و تفکرات ملحدانه و آتئیستی، بی‌اخلاقی و فحشا و بی‌تفاوتی در جوانان بیشتر از هر زمان دیگری دیده می‌شود.

با این همه، رهبران ایران همچنان بر این باورند که همه جا امن و امان است و هیچ مشکلی نیست!!! اما به راستی آیا وقت تواضع، تأمل و درنگ در آنان فرا نرسیده است؟! آیا در گرداگرد مدیران و مسؤولان ایران هیچ فرد دلسوز و خیرخواهی وجود ندارد که حقایق را به آنان بازگوید و آنان را نصیحت کند؟! به راستی آیا برای یک انسان، دلسوزتر و خیرخواه‌تر از کسی که عیوب او را به او نشان دهد وجود دارد؟! به راستی حاکمان ایران منتظر چه هستند؟! آیا منتظرند تا کاسه‌ی صبر مردم لبریز شود و به خاطر نان یا آزادی، آنان را به زیر بکشند همان طور که ظالمان گذشته را به زیر کشیدند؟! آیا منتظرند تا کفار غرب و منافقین عرب متحد شوند و علیه آنان لشکرکشی کنند و جنگ خانمان‌سوز فرسایشی و بلندمدتی را به راه اندازند؟! آیا منتظرند تا رهبرشان از دنیا برود و احزاب و نهادهای مختلف حکومت بر سر جانشین او گوشت و پوست و استخوان هم را بجوند و کشور در بحران عمیق داخلی فرو رود؟! یا منتظرند که آمریکا کوتاه بیاید و آنان با نرمشی قهرمانانه دست آنان را با ذلت بفشارند و جام زهری دیگر بنوشند تا با این مسکن، چند روزی بیشتر باقی بمانند؟! به راستی آیا منتظر چیز دیگری نیستند؟! مگر حاکمان ایران خود را مسلمان و شیعه‌ی اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نمی‌دانند؟! پس چرا هیچ چشم‌امیدی به اسلام و راهی که خداوند برایشان قرار داده است ندارند؟! چرا در گزینه‌های روی میزشان تمام راه‌ها به چشم می‌خورد جز راهی که خداوند قرار داده و تنها راه حل حقیقی و ممکن است؟! به راستی آیا حاکمان ایران امیدي به خلیفه‌ی خدا بر روی زمین، امام مهدی علیه السلام، ندارند؟! همو که کار همه‌ی مسلمانان از جمله آنان را سامان خواهد داد و همگان را از بدبختی و شقاوت خواهد رهاوند و عدالت مطلق را در سراسر جهان حاکم خواهد فرمود؛ همو که نابودی تمام مستکبران جهان به دست اوست و یگانه امید مستضعفان و مظلومان است.

سوال مهم و اساسی اینجاست که اگر حاکمان ایران به عنوان مدعی‌ترین حکومت منطقه نسبت به اسلام و اهل بیت پیامبر، باوری به تنها گزینه‌ی خداوند یعنی امام مهدی علیه السلام ندارند، پس چرا این قدر لاف مسلمانی می‌زنند و شعار تشیع سر می‌دهند؟! و اگر باور دارند، پس چرا به تنها نهضت معقول و صحیحی که به رهبری عالمی بزرگ و بی‌ادعا یعنی حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی برای زمینه‌سازی ظهور امام مهدی علیه السلام به راه افتاده است، وقعی نمی‌نهند، بلکه با آن عداوت و معارضة می‌کنند؟! چرا هیچ فرد دلسوز و خیرخواهی در این نظام پیدا نمی‌شود که رهبران و مسؤولان آن را در خلوتی به کناری بکشد و سخن این عالم ربّانی، حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی، را به گوش آن‌ها برساند که می‌فرماید:

«هان، ای امت نادان! در پی چه می‌گردی؟! و به دنبال که می‌روی؟! پیشوای تو مهدی است. آرامش شب‌ها و خرمی روزهای تو مهدی است. شادی ماندگار و شیرینی روزگار تو مهدی است. خوش‌بختی دنیا و رستگاری آخرت تو مهدی است. پس چه چیزی تو را از او باز داشته است؟!

یا چه کسی تو را از او بی‌نیاز کرده است؟! ... آیا می‌پندارید که در غیاب او، عدالت را خواهید دید و به شکوفایی خواهید رسید؟! یا می‌پندارید که در غیاب او، امنیت خواهید داشت و خوشبخت خواهید شد؟! نه به خدا سوگند، سپس نه به خدا سوگند؛ بلکه این آرزو را با خود به گور خواهید برد، همچنانکه گذشتگان آن را با خود به گور بردند! زیرا خداوند در غیبت گماشته‌اش خیری قرار نداده و در حکومت غیر او برکتی نیافریده است!...» (گفتار ۱)

به راستی آیا در همه‌ی این دستگاه عریض و طویل، یک مسلمان واقعی پیدا نمی‌شود که به چیزی جز حفظ مقام و موقعیت خود فکر کند و به دور از تعصبات و توهمات توطئه و به دور از تملقات و ترس‌های سازمانی و اداری و به دور از تعلقات و ملاحظات دنیوی، به آن کس که سر رشته‌ی کار در دست اوست، پیام شفاف، روشن، متین و نجات‌بخش حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی را برساند و بقبولاند، تا قدمی بزرگ در جهت زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی علیه السلام برداشته شود؟! یا اگر قدمی بر نمی‌دارند حداقل دست از سنگ‌اندازی و مانع‌تراشی بر سر راه این عالم بزرگ بردارند تا این حرکت مقدس مسیر خود را با سرعت بیشتری طی کند و مسلمانان جهان را آگاه سازد و فضا را برای ظهور خلیفه‌ی خدا مهیا گردانند؟!

کاش حاکمان ایران می‌دانستند که مشاور و ناصحی دلسوزتر از جناب منصور هاشمی خراسانی ندارند؛ زیرا اوست که راه سعادت دنیا و آخرت آن‌ها و مردمشان را به آن‌ها نشان می‌دهد و مسیر نورانی ظهور را برایشان ترسیم می‌کند تا قدرتشان را در جهت صحیح یعنی در جهت منافع خدا و ولّیش و نه در جهت استکبار و تفرقه‌افکنی میان مسلمانان، افزون کنند و دشمنان اسلام و دشمنان امام مهدی علیه السلام را نابود گردانند، نه اینکه خود دشمن بزرگ اسلام و مانع ظهور امام مهدی علیه السلام گردند. اما صد افسوس که اینان تکبر می‌ورزند و استغنا می‌کنند و نصیحت ناصحان را دوست نمی‌دارند و این از آن روست که بیشترشان به آخرت ایمان قلبی ندارند و در غفلتی عمیق فرو رفته‌اند؛ **﴿إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ يَوْمَ الْحِسَابِ﴾** (غافر/ ۲۷) و هزار افسوس که به جای یاری این عبد صالح خدا و زمینه‌ساز حقیقی ظهور امام مهدی علیه السلام به دشمنی با او برخاسته‌اند و نابودی او و نهضت مبارکش را می‌خواهند؛ تا جایی که از آنان به درگاه خدا شکایت کرده و فرموده است:

«همواره به خون من تشنه‌اند و در انتظار لغزشم به سر می‌برند! کلمات دهانم را می‌شمارند و ردّ پاهایم را دنبال می‌کنند! از افتادنم خشنود می‌شوند و بر ناله‌هایم قهقهه سر می‌دهند! سینه‌هایشان از بغض من گداخته و دل‌هایشان از کینه‌ی من آکنده! آرزومندند که مغز من را بکوبند و امیدوارند که کبد من را بخورند! در حالی که من به آنان ستمی نکرده‌ام و جان و مالی از آنان نستانده‌ام، بلکه آنان را به سوی تو فرا خوانده‌ام و به یاری خلیفه‌ات فرمان داده‌ام، تا آنان را از روی مهر ببخشایی و به زمینی که وعده داده‌ای برسانی، تا از بالا و پایین‌شان بخورند و پس از سیری گرسنه نشوند! پس آیا دشمنی با من برای آنان بجاست؟! یا سبّ من برای آنان

رواست؟! در حالی که من پدر مهربان آنان و برادر غمخوارشان هستم و برای خوشبختی‌شان رنج می‌برم و برای نجات‌شان خطر می‌کنم، بی هیچ مزدی که بر آنان گران آید یا تازیانه‌ای که آنان را بتاراند، تا پس از گمراهی راه را بیابند و پس از بی‌چارگی چاره را؛ هنگامی که توفان فتنه بر آنان می‌وزد و تندر آشوب بر آنان می‌زند و تگرگ ظلم بر آنان می‌بارد و پناه‌گاهی برای آنان نیست» (گفتار ۷۲).

خداوند هر کس را که هدایت‌شدنی است هدایت فرماید و هر کس را که هدایت‌شدنی نیست هلاک گرداند؛ چراکه او بر هر کاری تواناست و بازگشت همگان به سوی اوست.

دیدگاه‌های دیگر از این نویسنده:

۱. مقاله‌ی «فرصتی استثنائی پیش روی جهان اسلام و نظام ایران»
۲. مقاله‌ی «از مطلعان بی‌مسئولیت تا مسؤولان بی‌اطلاع»
۳. مقاله‌ی «فتنه‌ای دیگر در جهان اسلام؛ یادداشتی به بهانه‌ی اجلاس ریاض»

